

تعرض اقتصادی؛ سیاست ضد توسعه

سردبیر

نزدیک به نیم قرن قبل مفهوم تعرض اقتصادی^۱ در کمیسیون خاص سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت.^۲ این قضیه اصلی مورد بحث بود که، علاوه بر تعرض مستقیم نظامی، کشورها ممکن است مورد تعرض‌های دیگری همچون تعرض غیرمستقیم از جمله تعرض اقتصادی قرار گیرند.

از طرف نماینده ایران^۳ در این کمیسیون مطرح شد که:

"تعرض غیر مستقیم شامل مداخله در امور داخلی یا خارجی یک کشور می‌شود که از دیدگاه حقوق بین‌الملل چنین مداخله‌ای به منزله تهدید صلح و استقلال ملی است." در ارتباط با مفهوم تعرض اقتصادی نماینده ایران افزود:

"تعرض اقتصادی یکی از مشخص‌ترین اشکال تعرض غیرمستقیم است و به واسطه تفاوت در امکانات اقتصادی دولت‌های گوناگون میسر می‌شود. عدم تساوی، کشورهای بسیار صنعتی را توانا می‌سازد که در کشورهای کم‌تر

1. economic aggression

2. UNITED NATIONS REPORT OF THE SPECIAL COMMITTEE ON THE QUESTION OF DEFINING AGGRESSION, N.Y. 1954.

3. Fereydoun Adamiyat

توسعه یافته بهره‌وری کنند، موجب فلج اقتصادی شوند و مستقیماً ثبات اقتصادی آنها را در معرض خطر قرار دهند. به همین واسطه استقلال کشورهای کم‌تر توسعه یافته را مورد تهدید قرار دهند. توسل به معیارهای اقتصادی و سیاسی توأم با زور علیه یک دولت چه مستقیم و یا غیر مستقیم که جهت منع اعمال حاکمیت آن دولت بر منابع طبیعی یا کوشش‌های آن در جهت توسعه اقتصادی باشد، مهم‌ترین عامل در تعرض اقتصادی است.

در بحث همین مسئله نماینده بولیوی^۱ متذکر گردید:

"تعرض اقتصادی اصولاً سه اصل اساسی سازمان ملل متحد را مورد تخطی قرار می‌دهد. ۱. اصل استقلال سیاسی دولت‌ها؛ ۲. اصل تساوی حاکمیت آنها؛ و ۳. اصل عدم مداخله در امور داخلی آنها." نماینده بولیوی همان‌جا افزود که: "استدلال نماینده ایران را [بدون قید و شرط] تأیید می‌کند."

تئ نمایندگان ایران و بولیوی در واقع بازنمای واقعیت حیات اقتصادی-سیاسی کشورهای در حال توسعه از مشرق زمین تا امریکای لاتین بود؛ کشورهایی که طعم تلخ استعمار مغرب زمین را چشیده‌اند و همواره مورد تعرضات گوناگون قرار گرفته‌اند.

امروز به کارگیری تدابیر تعرض اقتصادی یکی از متداول‌ترین وسیله‌ها برای اعمال تجاوز در سازوکار سلسله مراتب هرم قدرت کشورهای جهانی است که، ظرفیت تخریبی آن کم‌تر از تعرض نظامی نیست و به عنوان یکی از شاخص‌های بارز ضد توسعه ارزیابی می‌شود. در عین حال سیمای انواع روش‌های به کار گرفته شده تعرض اقتصادی کاملاً شفاف نیست و خطرات تهدیدکننده آن از طرف مردم و مسئولان کشورهای مورد تعرض در حد ظرفیت قدرت تخریبی‌اش ملموس و شناخته شده نمی‌باشد.

تحریم‌های اقتصادی و تأثیرگذاری در چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی، دخالت در پروژه‌های عمرانی و تعیین تکلیف برای انتخاب کالاها و خدمات در برنامه‌های تجارت

1. Gaston Araoz

خارجی از جمله سیاست‌های تعرض اقتصادی است که، به صورت پنهان و آشکار در سطح جهان به شیوه‌های متفاوت اعمال شده، در مجموع از موانع رشد بوده و سد راه پیشرفت به خصوص برای کشورهای در جریان توسعه محسوب می‌شوند.

شکی نیست که در شرایط نظام به هم پیوسته جهانی، هیچ کشوری نمی‌تواند در انزوای اقتصادی مطلق بایستد و روابط خود را با تمامی کشورها قطع نماید. در عین حال با توجه به شرایط اقتصاد بین‌الملل، کشورهای در جریان توسعه باید اساس سیاست‌هایشان را بر مبنای استقلال ملی با وضعیت جهانی هماهنگ نمایند، و هدفمند با طراحی سناریوهای مختلف، استراتژی‌های موانع توسعه را خنثی کنند.

اعمال نفوذ در میزان تولید و صادرات و تحت فشار قراردادن کشورهای تولیدکننده با روش پایین نگاه داشتن قیمت نفت از طریق مختل کردن مکانیسم عرضه و تقاضا در بازارهای جهانی، یکی از نشانه‌های بارز تعرض اقتصادی و دخالت غیرمستقیم در حاکمیت ملی و استقلال تصمیم‌گیری در بهره‌برداری از منابع طبیعی است. شیوه‌ای که سابقه تاریخی داشته و از سوی کشورهای صنعتی و صاحب قدرت کوشش در استمرار آن است. اما دخالت و دامنه تأثیرگذاری، به صادرات منابع طبیعی منحصر نمی‌شود بلکه، وسعت آن در ابعاد کل تجارت خارجی است. یعنی نفوذ در جهت دادن ترکیب صادرات و واردات این کشورها در راستای منافع کشورهای صنعتی است.

اگر قرار باشد کشورهای در جریان توسعه به سوی توسعه پایدار گام بردارند، اقتصاد آنها باید در مسیر توسعه درون‌زا با تأکید بر برنامه‌های زیربنایی و ساختاری و متکی بر قدرت مولد بخش‌های تولیدی همسو شود. با این دیدگاه میزان تولید و صادرات منابع طبیعی تابعی از نیازهای برنامه‌های عمرانی است. در این صورت هزینه کردن درآمدهای حاصل از آن برای کالاهای مصرفی و پرداخت‌های جاری در چارچوب معادله توسعه، توجیه‌پذیر نخواهد بود. به خصوص که، منابع ملی پایان‌پذیر متعلق به حقوق تمام نسل‌هاست.

پس درآمدهای به دست آمده از صادرات منابع طبیعی باید به مصرف معماری بخش‌های اقتصادی مولد برسد تا ستون‌های توسعه، پایدار شده و مستحکم بماند. اولویت دادن به واردات تکنولوژی به مفهوم دانش و فن‌آوری و پرهیز کردن از واردات ابزار و آلات غیرضروری و

کالاهای مصرفی، سیاستی در راستای دستیابی به این هدف است. همچنین تربیت و تکامل سرمایه انسانی، منع خلاقیت و فرآوری دانش بوده و شرط لازم طراحی و تحقق برنامه‌های توسعه می‌باشد.

در شرایطی که اقتصاد جهان به شکل شبکه‌ای به هم پیوسته تکامل می‌یابد، در جوار آن تحریم‌های اقتصادی بر ضد کشورهای نیازمند به محصولات و خدمات استراتژیک عمل می‌کند. این خود نوعی تعرض اقتصادی است که به علت تفاوت در توانمندی‌ها میان کشورهای توسعه‌یافته و در جریان توسعه امکان‌پذیر شده و نیز توجیهی است برای این استدلال که ساختار تولید در برنامه‌های ملی نباید به محاسبات مزیت‌های نسبی اقتصادی منحصر شود، بلکه اهمیت مزیت‌های نسبی سیاسی در سطح بین‌الملل باید مدنظر بماند و در معادلات و طراحی سناریوهای اجتماعی و اقتصادی ملحوظ شود.

بحث نظری در زمینه برنامه‌ریزی برای اقتصاد بدون نفت سابقه‌ای درازمدت دارد، ولی هرگز در چند دهه گذشته استراتژی اقتصادی، طرح‌های ملی و عملیات اجرایی با مبانی مطرح‌شده همسو نشد. به همین دلیل، حتی در دوره‌های افزایش سریع قیمت نفت و مازاد درآمدهای ارزی، برنامه‌ریزی کشور در بهره‌برداری بهینه از منابع مالی برای سرعت بخشیدن به جریان توسعه با وضعیت بحرانی روبه‌رو بوده است.

مقابله با تعرض اقتصادی به منظور حفظ حاکمیت ملی و اعمال مدیریت استفاده از منابع طبیعی با هدف قرارداد اقتصاد کشور در مسیر توسعه پایدار، نیازمند تحول در استراتژی برنامه‌ریزی با نگرش آگاهانه در فضای اتحاد ملی و با فرض آمادگی پذیرش دوران ریاضت اقتصادی از سوی تمامی افراد جامعه است.

استراتژی حاکم در جهان، به کارگیری ترفندهای موانع توسعه با هدف خدشه‌دار کردن حاکمیت ملی و وابسته نگاه‌داشتن کشورهای در جریان توسعه است. وسیله دستیابی به آن، تاراج منابع طبیعی و به انحراف کشاندن درآمدهای ملی این کشورها برای هزینه‌های غیرضروری است که نتیجه آن به رکود تولید، آسیب‌پذیری جریان توسعه و وابستگی می‌انجامد. سلاح مقابله با تعرض اقتصادی و عوارض ناشی از آن، طراحی الگویی است که حافظ منافع ملی، استقلال حاکمیت بر منابع و نحوه توزیع آن در راستای توسعه پایدار باشد.